

تأثیر عامل تروریسم بر تقابل اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

مجید عباسی*

چکیده

عامل تروریسم و بنیادگرایی از جمله مسائلی است که اتحادیه اروپا مدعی است همواره آن را در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران مد نظر دارد. اتحادیه اروپا تحت تأثیر تبلیغات جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران و بروز حوادث چندی از اوایل انقلاب تاکنون مانند بحران گروگان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران، مسئله سلمان رشدی، بحران میکونوس، حمایت ایران از حزب‌ا... لبنان و جنبش جهاد اسلامی فلسطین و حماس (که از نظر آنها گروه‌های تروریستی و از نظر جمهوری اسلامی ایران در زمره گروه‌های مبارز آزادیبخش می‌باشند)، از حکومت ایران انتقاد کرده است. جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده که خود بزرگ‌ترین قربانی اعمال تروریستی است. در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی، تعداد زیادی از مردم بی‌گناه و مقامات حکومتی ایران توسط تروریست‌های سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که تحت حمایت کشورهای غربی قرار دارند، به شهادت رسیده‌اند. این اقدامات تروریستی با ترور دانشمندان هسته‌ای ایران توسط گروه‌های تروریستی که تحت حمایت برخی کشورهای اروپایی قرار دارند، همچنان ادامه دارد. بنابراین ج.ا.ایران بیش از هر ملت و دولت دیگری طعم تلخ تروریسم را چشیده است و با همه اشکال آن به شدت مبارزه می‌کند. ایران در مقابل انتقاد اتحادیه اروپا در حمایت از گروه‌های فلسطینی و لبنانی، هرگونه کمک مالی و نظامی به آنها را رد می‌کند و حمایت از این گروه‌ها را به صورت معنوی و در قالب کمک به جنبش‌های آزادیبخش می‌داند. هدف اصلی این نوشتار، مطالعه تأثیر عامل تروریسم و بنیادگرایی بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. در این راستا دیدگاه اسلام و جمهوری اسلامی ایران نسبت به تروریسم، رویکرد امنیتی اروپا به تروریسم و نقش تروریسم در واگرایی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بررسی شده است.

واژگان کلیدی

تروریسم، بنیادگرایی، جنبش‌های آزادیبخش، امنیت بین‌الملل، سیاست خارجی.

Email: abbasi@atu.ac.ir

* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۸

تاریخ ارسال: ۹۲/۵/۱۲

فصلنامه راهبرد/سال بیست و دوم/شماره ۶۹/زمستان ۱۳۹۲/صص ۶۳-۴۱

جستار گشایی

از جمله مواردی که اتحادیه اروپا در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران، همواره آن را مورد نظر قرار داده، بحث تروریسم و بنیادگرایی^۱ است. اتحادیه اروپا تحت تأثیر تبلیغات جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران و بروز حوادث چندی از اوایل انقلاب تاکنون مانند بحران گروهان گیری اعضای سفارت امریکا در تهران، مسئله سلمان رشدی، ترور شاپور بختیار و برخی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در اروپا، بحران میکونوس، حمایت ایران از حزب... لبنان، جنبش جهاد اسلامی فلسطین و حماس (که از نظر آنها گروه‌های تروریستی محسوب می‌شوند و از نظر جمهوری اسلامی ایران در زمره جنبش‌های آزادیبخش می‌باشند)، انتقاد کرده و از تهران خواسته است تا از حمایت خویش از این گروه‌ها دست بردارد.

جمهوری اسلامی ایران نیز در مقابل ادعاهای فوق، معتقد است هیچ‌گونه عملیات تروریستی توسط تهران در اتحادیه اروپا انجام نشده است و قتل مخالفان جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مذکور ناشی از تسویه حساب‌های داخلی گروه‌های مخالف ایران بوده که تلاش دارند آن را به ایران نسبت

دهند. دوم اینکه حمایت‌های معنوی جمهوری اسلامی ایران از حزب... لبنان و گروه‌های فلسطینی، حمایت از جنبش‌های آزادیبخش می‌باشد و نه حمایت از تروریسم. همچنین جمهوری اسلامی ایران از معیارهای دوگانه اتحادیه اروپا در حمایت از اقدامات تروریستی رژیم اسرائیل انتقاد می‌کند. سوم، جمهوری اسلامی ایران معتقد است پناه‌دادن و حمایت اعضای اتحادیه اروپا از سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که متهم به اعمال تروریستی و کشتار مردم بی‌گناه ایران هستند، به معنای حمایت از سازمان‌های تروریستی است. جمهوری اسلامی ایران نیز در این رابطه نگاه ویژه‌ای دارد که با اتحادیه اروپایی متفاوت است.

آنچه به تعارض مفهومی تروریسم دامن می‌زند، ناشی از دو عامل اصلی است:

عامل نخست ناشی از برخورد دوگانه^۲ غرب و اتحادیه اروپا با مقوله مبارزه با تروریسم است. در این رابطه، استفان سگالر می‌گوید: «ما غربی‌ها دشمنان را به دلیل ارتکاب تروریسم محکوم می‌کنیم، اما اگر همین اقدامات توسط متحدان و دوستان ما صورت گیرد، در قالب عباراتی زیبا مانند مبارزه رهایی‌بخش، مقابله با حکومت‌های

2. Paradoxical

1. Fundamentalism

۱. دیدگاه اسلام و جمهوری اسلامی ایران نسبت به تروریسم و مبارزات آزادیبخش

پدیده اسلام‌گرایی و گرایش به آن در سطح جهان و به چالش کشیده شدن نظریه‌های لیبرالیستی، نگرانی غربی‌ها را به دنبال داشته است. برخی سیاستمداران غرب برای بزرگ‌نمایی، «اسلام سیاسی» را به جای «کمونیسم» قرار داده‌اند و با تعبیری چون تروریسم اسلامی، بنیادگرایی اسلامی و مسلمان خشونت‌طلب و تندرو به مقابله با آن برخاسته‌اند. بر این اساس تبلیغات سیاسی و رسانه‌ای عظیمی نیز جهت برابر قرار دادن اسلام و تروریسم با یکدیگر صورت گرفته است؛ به گونه‌ای که با انجام هرگونه اقدامی اعم از بمب‌گذاری، ترور و امثال آن، نخستین متهمان مسلمانان هستند و کشورهای اسلامی و از جمله جمهوری اسلامی ایران در خط مقدم این اتهام‌ها قرار دارند. بنابراین لازم است با مطالعه دیدگاه جمهوری اسلامی ایران به مقوله تروریسم که نشئت گرفته از احکام و اصول اسلامی است، به بررسی دقیق‌تر علل اختلافات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه و اروپا در خصوص تروریسم بپردازیم، زیرا پایه و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی بر مبنای احکام

دیکتاتور و سرکوبگر و دفاع مشروع به توجیه آن می‌پردازیم» (Segaler, 2005, p.20).

عامل مهم دیگر در نبود اجماع در تعریف یکسان از تروریسم می‌شود، اختلافات هویتی، فرهنگی و نظری موجود در جوامع مختلف در ارتباط با این مفهوم می‌باشد. معمولاً دولت‌های غربی از یکسو و گروه غیر متعهدها از سوی دیگر، یکدیگر را به سنگ‌اندازی در سیر تعریف این پدیده نامیمون متهم می‌کنند. در کنار آنها جهان اسلام نیز از این بیمناک است که در این تعریف احتمالی، حرکت‌های مقاومت و مبارزات مشروع و رهایی‌بخش از اقدامات تروریستی تفکیک نگردند.

در این رابطه به نظر می‌رسد از جمله مهم‌ترین عوامل واگرایی سیاست خارجی اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در موضوع تروریسم نیز ناشی از این دو مقوله باشد که از طریق اختلاط با ویژگی‌های هویتی-ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران، موجب افزایش چالش‌ها در روابط دوجانبه شده است.

و شریعت اسلامی گذاشته شده و دولتمردان و فقها و مجتهدان نیز هیچ‌گاه از این قالب خارج نشده و همواره در صدد تطبیق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اصول و احکام اسلامی بوده‌اند. در این رابطه، همواره هویت اسلامی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی در سیاست خارجی و امنیتی ایران دارای جایگاه مهمی است و لذا شناخت دیدگاه اسلام نسبت به مقوله ترور، به شناخت سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در این خصوص کمک خواهد نمود.

در قرآن کریم در مورد ترور آمده است که: «بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی تمام انسان‌ها را کشته است» (سوره مائده، ۳۲). در آیه دیگری چنین می‌فرماید: «کسی که خداوند خونس را محترم شمرده، نکشید، جز به حق و...» (سوره اسراء، ۳۳). علاوه بر آن در روایات اسلامی نیز ترور منع شده و از نگاه فقها نیز تروریست همان محارب است (ترابی، ۱۳۸۵، ص ۷۲). اسلام عواملی که امنیت را به مخاطره می‌اندازند، محکوم کرده و به طور مؤکد آنها را تحریم و انسان‌ها را از ارتکاب آن منع نموده است. به این ترتیب، اسلام با ریشه‌کن کردن عوامل ضد امنیت، به این

ارزش والای انسانی دوام بخشیده است. از دیدگاه اسلام یکی از مهم‌ترین عوامل و زمینه‌هایی که امنیت ملی و بین‌المللی را دچار مخاطره می‌کند، تروریسم (ارعاب) است که اسلام آن را تحریم و مسلمانان را به شدت از آن نهی کرده است.

براساس احکام و موازین اسلامی که الهام‌بخش نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد، اعمال هر فرد، گروه و سازمانی که با اهداف سیاسی و به طور مستقیم، جان، مال و آبروی مردم بی‌گناه و زنان و کودکان را مورد حمله قرار دهند، از نگاه وجدان و فطرت بشری محکوم می‌باشد و مصداق تروریسم محسوب می‌شود. در اسلام حتی در دفاع مشروع، کشتن افراد بی‌گناه، تعقیب فراریان، کشتن اسیران، زنان و کودکان، تخریب جنگل‌ها و درختان، آلوده کردن آب‌ها مجاز نمی‌باشد. هر نوع اقدام خشونت‌آمیز که به طور مستقیم جان و مال و آبروی مردم بی‌گناه را مورد تعرض و حمله قرار دهد، اقدام تروریستی است و از نگاه فقه اسلام و وجدان بشری محکوم است (ترابی، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

اسلام هر نوع عمل تروریستی را محکوم کرده و همگان را از آن نهی نموده است. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن توجه به حقوق اسلامی، تمامی

خشونت و مجوز قتل از جانب اسلام می‌دانند، این در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی ایران ضمن مردود شمردن این نگرش، بارها اعلام نموده‌اند که اسلام دین صلح و دوستی است و فتوای مذکور نیز بر اساس اصول و احکام شریعت اسلامی صادر شده است و به هیچ وجه نشانه خشونت یا مجوزی برای اعمال تروریستی نمی‌باشد.

علاوه بر آن، جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده است که بزرگ‌ترین قربانی تروریسم می‌باشد. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن بسیاری از مردم و شخصیت‌های بلندپایه نظام جمهوری اسلامی ایران با عملیات‌های تروریستی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) زیر چتر حمایتی برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به شهادت رسیده‌اند. ایران به هیچ وجه حامی تروریسم یا گروه‌های تروریستی نبوده و نخواهد بود، زیرا طعم تلخ ترور را بیش از هر ملت و کشور دیگری چشیده است.

۲. عملکرد سیاسی - حقوقی اتحادیه اروپایی در مبارزه با تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اعضای اتحادیه اروپا مانند سایر بازیگران

معاهدات و اسناد الزام‌آور منطقه‌ای و بین‌المللی را که به‌عنوان مهم‌ترین تمهیدات دولت‌ها در مقابله با تروریسم است، مشروع و لازم‌الاجرا می‌دانند. بنابراین هم جمهوری اسلامی ایران با ویژگی هویتی-ایدئولوژیک اسلامی و انقلابی و هم اتحادیه اروپا با ویژگی هویتی- فرهنگی لیبرالیستی، انواع و اشکال تروریسم را محکوم نموده و به شدت با آن مخالفت می‌ورزند.

در این رابطه به نظر می‌رسد اختلاف دو طرف بیشتر ناشی از سوء برداشت‌هایی است که ریشه در اختلافات ایدئولوژیک و هویتی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی دارد، برای مثال، برداشت جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در خصوص عملیات استشهادی مبارزان فلسطینی علیه صهیونیست‌ها با هم متفاوت است. در حالی که تهران این عمل را مصداق تروریسم تلقی نمی‌کند، بروکسل آن را مصداق بارز عملیات تروریستی می‌داند. و یا موضوع مهدورالدم بودن سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی که بر اساس فتوای امام خمینی (ره) و به دلیل توهین به پیامبر اعظم (ص) و دین مبین اسلام، واجب‌القتل می‌باشد. اروپاییان در این رابطه دیدگاهی متضاد با جمهوری اسلامی ایران دارند و این حکم را نشانه

بین‌المللی، فعالیت بیشتری در زمینه مقابله با تروریسم از خود نشان دادند. در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۱، طرحی تحت عنوان «چارچوب تصمیم شورا برای مبارزه با تروریسم» از جانب کمیسیون اروپا به شورای اروپا ارائه شد که بر اساس آن مبارزه با تروریسم تنها به فعالیت‌های یوروپیل^۳ محدود نمی‌شد (www.eu.org). ماده ۳ این طرح به تعریف جرایم تروریستی، افراد و گروه‌های تروریست می‌پردازد. براساس این تعریف:

۱. هر کدام از کشورهای عضو باید به اتخاذ اقدامات لازم جهت مقابله با موارد زیر بر اساس قوانین ملی خود بپردازند. اقداماتی که توسط افراد یا سازمان‌ها به شکل عمدانه علیه یک یا تعداد بیشتری از کشورها، مردم و نهادهای آنان با هدف ایجاد ارباب به منظور تغییر عمده یا نابود کردن ساختار سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی کشورها صورت می‌پذیرد، حملات تروریستی تلقی شده و مرتکبان باید تعقیب و مجازات شوند، بر این اساس موارد زیر اعمال تروریستی محسوب می‌شوند و باید به شدت با آنها برخورد شود:

الف) قتل، جرح فیزیکی، آدم‌ربایی یا گروگان‌گیری، اخاذی، دزدی، محاصره یا تخریب غیرقانونی اماکن و امکانات دولتی، وسایل حمل و نقل عمومی، ساختارهای زیربنایی، اماکن استفاده عمومی و املاک.

ب) پخش مواد آلوده‌کننده یا منفجره که جان و مال مردم و املاک و احشام آنها را به مخاطره اندازد.

پ) خرابکاری یا انهدام سیستم آب، برق یا سایر منابع حیاتی؛

ت) حمله از طریق دخالت در سیستم اطلاعاتی؛

ث) تهدید به انجام هر کدام از موارد بالا؛
ج) حمایت از گروه‌های تروریستی یا مشارکت با آنها.

۲. برای اجرای تصمیمات فوق، گروه تروریستی به معنای یک سازمان از قبل طراحی شده است که بیش از دو نفر عضو دارد. آنان درصدد هستند که اقدامات فوق را مرتکب شوند.

در همین راستا در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای وزیران اتحادیه اروپا تصمیم گرفت قدم‌های دیگری بردارد. براساس تصویب‌نامه این شورا، تروریسم به عنوان جنایت علیه بشریت معرفی و بر همکاری کشورهای عضو

به همکاری با آنها می‌باشند، توقیف می‌شد. شورای اروپا در ۱۵ آوریل ۲۰۰۲ نیز برنامه اقدام اتحادیه اروپا برای مبارزه با تروریسم را مورد ارزیابی مجدد قرار داد. در این تجدیدنظر، اتحادیه اروپا تلاش‌هایش را برای اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد و توقیف املاک و دارایی‌های گروه‌های تروریستی تقویت کرد. همچنین همکاری بیشتر در مورد کمک‌های دوجانبه پلیس‌های کشورهای عضو و همکاری نظام‌مند بیشتر با ایالات متحده آمریکا در فعالیت‌های ضد تروریستی از طریق تقویت سیستم اطلاعاتی شنگن^۵ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. یکی از توافقاتی که در این اجلاس صورت گرفت، ابداع و ایجاد بند مبارزه با تروریسم در موافقت‌نامه‌های اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث می‌باشد (www.Europa.eu.int).

اهم اقدامات تصویب‌شده برای مبارزه با تروریسم در چارچوب اتحادیه اروپایی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- الف) جایگزینی رژیم‌های ملی مبارزه با تروریسم با یک رژیم واحد اروپایی؛
- ب) تعریف واحد و مشترک از تروریسم؛

اتحادیه در مقابله با تروریسم تأکید شد. علاوه بر آن، در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۱ کمیسیون اروپا پیشنهاد نمود اعضای اتحادیه موضع مشترکی درباره حمایت مالی از اقدامات علیه تروریسم اتخاذ کنند. در این راستا پارلمان اروپا نیز پیشنهاد کرد قسمتی از بودجه عمومی خود را برای امور ضد تروریستی اختصاص دهد. این تلاش‌ها در نشست سران اروپا در لیکن^۴ گسترش یافت. در این نشست، تصمیم روشنی برای مبارزه علیه تروریسم اتخاذ شد و از همه مهم‌تر اجماعی درباره تعریف جرایم تروریستی و آماده‌سازی فهرستی از اشخاص و سازمان‌های تروریستی حاصل آمد (سیمبر، ۱۳۸۵، صص ۱۸۸-۱۸۷).

حمایت و همکاری با ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم در جریان حمله ۱۷ اکتبر ۲۰۰۲ آمریکا به افغانستان، از دیگر اقدامات اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم و در چارچوب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد. علاوه بر این اقدامات، پارلمان اتحادیه اروپایی در ۳۱ مارس ۲۰۰۲ قوانین جدیدی در مورد سازمان القاعده، گروه طالبان و شخص اسامه‌بن‌لادن تصویب کرد که به موجب آن تمامی دارایی‌ها و منابع افراد این گروه‌ها یا کسانی که مظنون

پ) اعمال اقدامات و تحریم‌های مشترک علیه افراد و سازمان‌های تروریستی؛

ت) همکاری بیشتر کشورهای عضو با یوروپل؛

ث) تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در ارتباط با مبارزه علیه تروریسم؛

ج) حمایت از قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد و کمک به ایالات متحده در حمله به افغانستان.

چ) ارزیابی مشترک اتحادیه اروپایی و ایالات متحده از تهدیدات تروریستی و تقویت همکاری‌های امنیتی؛

ح) همکاری قضایی بین اتحادیه اروپایی و امریکا در مورد نحوه برخورد با تروریسم؛

خ) ضبط و توقیف دارایی‌ها و منابع مالی افراد و گروه‌های تروریستی یا حامیان آنها؛

د) ایجاد بند مبارزه با تروریسم در موافقت‌نامه‌های اتحادیه اروپا با دیگر کشورها و از جمله در برخورد اتحادیه اروپایی با ایران.

با توجه به اسناد و موارد اشاره شده، ذکر چند نکته در خصوص رویکرد اتحادیه اروپایی به مقوله تروریسم ضروری به نظر می‌رسد:

الف) تا پیش از سال ۲۰۰۱، اتحادیه اروپا تروریسم را به عنوان یک تهدید

می‌نگریست، اما هیچ توافق جامعی برای اتخاذ اقدامات پیشگیرانه وجود نداشت.

ب) برای اتحادیه اروپا، تروریسم پدیده‌ای محدود و منزوی نیست، بلکه موضوعی فراگیر و همگانی است که برای مقابله با آن باید به اقدامات دسته‌جمعی دست زد. پ) از سال ۲۰۰۱ به این طرف، توافقات دسته‌جمعی برای مبارزه با تروریسم میان اعضای اتحادیه اروپایی تحکیم یافته است.

ت) لزوم مبارزه با تروریسم به عنوان یکی از مفاد مهم در توافقات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اتحادیه اروپا با دیگر کشورها مطرح شد که حاکی از اهمیت یافتن این پدیده در سال‌های اخیر است.

۳. رویکرد سیاسی - امنیتی اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سرآغاز دوره تاریخی جدیدی در تحولات نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. این حوادث موجب شد مبارزه با تروریسم در صدر اهداف سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا قرار گیرد و تروریسم به‌عنوان مهم‌ترین تهدید برای امنیت و ثبات تلقی گردد. در پی این

تسریع در توانمندی نظامی خود در مبارزه با تروریسم و تجدید ساختار نیروها و نهادها تأکید کرده است. حملات تروریستی و تبدیل احتمال انتزاعی به واقعیت عینی (در وقایع تروریستی مادرید و لندن) سبب شد شش کشور اروپایی (انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و سوئد) با انعقاد قراردادی مشترک، ۱۵۰ میلیون یورو برای مبارزه با تروریسم و تقویت پلیس مشترک اروپایی سرمایه‌گذاری کنند. در حقیقت اتحادیه اروپایی با توجه به واقعیت جدید ژئوپلیتیکی و تغییر ماهیت بحران‌ها و تهدیدهای بین‌المللی در سیاست دفاعی و امنیتی خویش تجدید نظر کرد.

سران اتحادیه اروپا در بیانیه نشست ژوئن ۲۰۰۲ در سویل اسپانیا نقش و جایگاه سیاست امنیتی و دفاعی اروپا برای مبارزه با تروریسم را تبیین کردند. در این بیانیه اتحادیه اروپا در تازه‌ترین اقدامات خود علیه تروریسم در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا، اولویت خود را بر پیشگیری از منازعات، گفتگوهای بیشتر سیاسی با کشورهای ثالث برای ترویج مبارزه با تروریسم از طریق ارتقاء حقوق بشر و دموکراسی و رفع اشاعه و کنترل تسلیحات، تقویت اطلاعات جاسوسی و مساعدت به

حادثه سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با اتخاذ تصمیماتی زمینه‌های همراهی و هم‌نوایی برای مبارزه با تروریسم را فراهم آوردند. ژاک شیراک، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، نخستین رهبر یک کشور خارجی بود که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر از امریکا دیدار و حمایت کامل و همه‌جانبه کشورش را از واشنگتن اعلام کرد. گرهارد شرودر، صدراعظم وقت آلمان نیز همکاری کشورش را برای مبارزه با تروریسم اعلام کرد. برخی از اعضای اتحادیه اروپا نیز مانند انگلستان با اعلام سیاست شانسه‌شانسه در همکاری با امریکا برای مبارزه با تروریسم تلاش‌های فراوانی جهت ایجاد تفاهم و وفاق بین‌المللی در مدیریت بحران به عمل آوردند (فرسای، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷).

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هرچند اتحادیه اروپا تلاش خود علیه تروریسم را بر روی گفتگوهای سیاسی بین‌المللی و اقدامات هماهنگ قضایی، امنیتی، ارائه تعریف مشترک از مفهوم تروریسم، تهیه فهرست مشترک از افراد و سازمان‌های تروریستی و تقویت همکاری‌های پلیسی قرار داده، ولی در عین حال از بعد نظامی برخورد با تروریسم غافل نمانده و بر مشارکت جدی برای عملیاتی کردن سیاست امنیتی - دفاعی و

برخورداری سیاست امنیتی و دفاعی اروپا از توانمندی‌های لازم برای مبارزه با تروریسم تنظیم نمود و بدین ترتیب مبارزه با تروریسم به مأموریت‌ها و اهداف سیاست امنیتی و دفاعی اروپا افزوده شد. بدین ترتیب نوعی نوآوری و نقطه تحول در روند شکل‌گیری سیاست امنیتی و دفاعی اروپا با محوریت مبارزه با تروریسم ایجاد گردید (فرسای، ۱۳۸۲، صص ۱۱۰-۱۰۹).

اعضای اتحادیه اروپا علاوه بر برنامه‌ریزی جهت تقویت سازوکارهای امنیتی و دفاعی خویش، تلاش نمودند تا از طریق سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز به مقابله با تروریسم اقدام کنند. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در همکاری اتحادیه اروپا و ناتو محسوب می‌شود. اجلاس فوق‌العاده شورای ناتو در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ در بروکسل پس از ۵۲ سال برای نخستین بار در تاریخ این سازمان با استناد به ماده ۵ اساسنامه ناتو، حوزه عمل خود را به مناطق جغرافیایی خارج از حوزه سنتی گسترش داد و متحدان اروپایی آمریکا آمادگی خود را جهت همراهی با این کشور در عملیات نظامی علیه تروریسم اعلام نمودند. ناتو به فعال کردن ماده ۵ پیمان در قبال حمله تروریستی پرداخت و اقدامات تروریستی را به عنوان

حمله نظامی تلقی کرد و آن را تحت شمول ماده ۵ قرار داد. این امر حاکی از تعهد کشورهای اروپایی عضو ناتو در مبارزه با تروریسم است (Neuers, 2007, p.57).

اعضای اتحادیه اروپا در قالب سازمان ناتو، سازوکارهای لازم را برای مقابله با پدیده تروریسم تدارک دیدند و در چارچوب اتخاذ رویکردی نوین در خصوص امنیت و تهدیدات جدید، طرح و ایجاد یک نیروی ویژه مشترک برای مبارزه با تروریسم در داخل ناتو را در نشست غیر رسمی وزرای دفاع ناتو در ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱ در بروکسل مورد بررسی قرار دادند. در دسامبر ۲۰۰۱، وزرای خارجه و دفاع ناتو تصمیم گرفتند توانایی نظامی خود را برای مبارزه با تروریسم به کار گیرند. بدین ترتیب کشورهای اروپایی عضو ناتو نقش خود را با حمایت سیاسی و نظامی از عملکرد آمریکا در افغانستان و سقوط رژیم طالبان به خوبی ایفا کردند. اما پس از آن، طراحی و انجام عملیات نظامی به صورت یکجانبه از سوی آمریکا در گسترش جنگ علیه تروریسم و نادیده گرفتن دیدگاه اعضای اتحادیه اروپا و نقش ناتو در تحولات بین‌المللی، موجب کاستن نقش نظامی اتحادیه اروپایی در قالب ناتو برای مبارزه با تروریسم شد (Cesaretti, 2005, p.5).

با وجود این، اتحادیه اروپایی فعالیت‌های سیاسی خود در مبارزه با تروریسم را با جدیت دنبال کرده و تداوم بخشیده است. در همین راستا وزرای کشور و دادگستری اروپا در اجلاسی که در اول دسامبر ۲۰۰۵ برگزار شد، استراتژی جدید این اتحادیه برای اتخاذ تدابیر جدید در مبارزه با تروریسم را اعلام نمودند. این اقدام به دنبال بمب‌گذاری‌های مادرید در سال ۲۰۰۴ و لندن در ۷ ژوئیه ۲۰۰۵ صورت گرفت. اساس این استراتژی بر چهار محور استوار است:

۱. جلوگیری از نفوذ تروریست‌ها و اقدامات تروریستی در اروپا؛
۲. حفاظت شهروندان و زیر ساخت‌ها؛
۳. تعقیب مجرمین و مظنونین؛
۴. ایجاد آمادگی‌های لازم برای پاسخگویی به نتایج حاصل از حملات تروریستی.

در این اجلاس که با حضور وزرای بیست و پنج کشور عضو اتحادیه اروپا به مدت دو روز در بروکسل برگزار شد، از فناوری‌های پیشرفته و اینترنت به عنوان دو ابزار جدید و مؤثر تروریست‌ها جهت دستیابی به اهدافشان یاد شده و از کشورهای عضو خواسته شده است تا با به کارگیری ابزارهای لازم، گروه‌های تروریستی را از دستیابی به این

فرصت‌ها محروم کنند. همچنین در این اجلاس بر ضرورت حفظ اطلاعات و ایجاد شبکه‌ای از اطلاعات فراملی که می‌تواند به کشف مظنونین واقعه کمک کند، تأکید گردید (خبیری، ۱۳۸۵، ص ۲).

از دیدگاه اتحادیه اروپایی، تروریسم به چند دلیل، تهدیدی علیه امنیت و ثبات اعضای آن محسوب می‌شود:

الف) از نظر اعضای اتحادیه اروپا تروریسم خطر عیان، آشکار و فوری نسبت به امنیت این اتحادیه است.

ب) در سند شورای اروپا مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۵ تحت عنوان «استراتژی اروپا برای مقابله با افراطی‌گری و تروریسم» ضمن آنکه از تروریسم به عنوان خطری نسبت به تمامی جامعه بشری یاد شده، اتحادیه اروپا و تمامی شهروندان آن را در معرض تهدیدات تروریستی دانسته و خواستار اتخاذ یک سیاست جامع برای مقابله با تروریسم شده است.

پ) اگر چه اروپا در تاریخ حیات خود با تهدیدات تروریستی فراوانی روبه‌رو بوده، اما در حال حاضر، اصلی‌ترین تهدید تروریستی که اروپا برای خود فرض می‌کند، از جانب گروه‌های بنیادگرای مذهبی است که طیف وسیعی از

تهدیدات تروریستی را برای شهروندان این اتحادیه ایجاد کرده‌اند.

ت) کشورهای اروپایی معتقدند تهدیدات اصلی نسبت به سرزمین اروپا بیش از آنکه داخلی باشد، خارجی است، بدین معنا که ورود تروریست‌ها از خارج به اروپا موجب تهدید و ناامنی شده است.

ث) از دید اعضای اتحادیه اروپا، با افزایش کشورهای عضو، این تهدیدات گسترده‌تر می‌شود. برای نمونه، در صورت پذیرش عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، امنیت خاورمیانه با امنیت این اتحادیه گره خواهد خورد و اتحادیه اروپایی رسماً با کشورهای مانند ایران، عراق و سوریه همسایه خواهد شد.

ج) باید در نظر داشت که تمام این تهدیدات، کشورهای اتحادیه اروپا را به صورت انفرادی مورد چالش قرار می‌دهد. اما تهدیدی که از همه مهم‌تر است، تهدید نسبت به یکپارچگی و وحدت اروپاست. به عبارت بهتر، باید نگران تهدید از جانب کشورها و گروه‌هایی بود که با اقدامات خود علیه کشورهای عضو اتحادیه، قصد فروپاشی اتحادیه اروپا را دارند. امنیتی شدن شرایط داخلی کشورهای اتحادیه اروپا در عمل باعث

می‌شود این کشورها از سیاست‌های مشترک دور شوند و ماهیت برخی توافق‌نامه‌ها مانند «شنگن» با ابهام روبه‌رو گردد. افزایش کنترل دولت و تقویت خطوط مرزی از جمله مواردی است که وحدت در اروپا را با چالش همراه می‌سازد.

چ) از دیدگاه اعضای اتحادیه اروپایی، بحث گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و انتقال آنان به اروپا، تهدیدی جدی است که هنوز به مرحله خطر نرسیده است. در این میان دو محور قابل تشخیص است. محور نخست، کشورهایی هستند که از آنان به عنوان دولت‌های سرکش^۶ نام برده می‌شود. آنها معتقدند اگرچه این دولت‌ها در تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی هستند، اما بنا بر مصالح و منافع خود سعی می‌کنند تا فاصله خود را با گروه‌های تروریستی و تروریسم بین‌المللی حفظ کنند. محور دوم، تروریست‌هایی هستند که با نداشتن محدودیت‌های خاص، تلاش می‌کنند برای دستیابی به اهداف خود، به سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و حتی هسته‌ای دست پیدا کنند. نگرانی اروپا

6. Rough States

تشکیل می‌دهد. در کنار نیروهای نظامی، پلیس و سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی، ابزارهای حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارند که استفاده از آنان با روح لیبرال دموکراسی در تضاد نمی‌باشد. در این بخش اتحادیه اروپا در تضاد جدی با امریکا قرار دارد و همواره آن را در مذاکرات خود با مقامات امریکایی مطرح می‌سازد. برای مقابله با افراطی‌گری و تروریسم، اتحادیه اروپا سه سیاست کلی را مد نظر دارد:

الف) سیاست اول، جلوگیری از فعالیت شبکه‌ها و افرادی که یا خود به اقدامات تروریستی دست می‌زنند یا به دنبال عضوگیری هستند،

ب) سیاست دوم، مقابله با رشد و گسترش تفکرات افراطی است.

پ) سیاست سوم، گسترش امنیت، عدالت، دموکراسی و رشد فرصت‌ها برای همه می‌باشد (Macgregor, 2006, p.2).

سیاست دفاعی اتحادیه اروپا در برابر تروریسم از چهار محور اصلی تشکیل شده است:

محور اول، دیپلماسی. از دیدگاه اتحادیه اروپایی دیپلماسی دارای دو کارکرد است: نخست آنکه دیپلماسی بهترین راه برای شناخت و درک از تهدید در کشورهای دیگر

زمانی تشدید می‌گردد که این گروه‌ها خود قادر به تولید این‌گونه سلاح‌ها باشند. بنابراین و بر اساس این نگرش، ظهور مفاهیمی تحت عنوان «تروریسم هسته‌ای»^۷، «تروریسم شیمیایی»^۸ و «تروریسم میکروبی»^۹ به تدریج در حال جایگزینی با مفهوم تروریسم سنتی است. بخشی از نگرانی اروپا متوجه کشورهای است که ممکن است به دلیل پیروی از ایدئولوژی خاصی که می‌تواند دارای انگیزه‌های مذهبی باشد، به شکل‌گیری شبکه‌های تروریستی بین‌المللی کمک کنند.

خ) همان‌گونه که در سند مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۵ آمده، اتحادیه اروپا به شدت با هرگونه افراط‌گرایی در عمل یا در حالت ایدئولوژیک آن مخالف می‌باشد و اعضای آن معتقدند که افراط‌گرایی مساعدترین زمینه برای رشد تروریسم است.

از دیدگاه اتحادیه اروپا، مبارزه و مقابله با تهدیدات عنوان‌شده، نیازمند به کارگیری طیف وسیعی از ابزارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است؛ به گونه‌ای که قدرت نظامی تنها بخش کوچکی از این ابزارها را

7. Nuclear Terrorism

8. Chemical Terrorism

9. Biological Terrorism

است. به عبارت بهتر، دیپلماسی می‌تواند با ایجاد ارتباط مستقیم و غیر مستقیم، مشکلات امنیتی طرف مقابل را درک و راه‌های برطرف کردن آن را پیشنهاد کند.

دوم آنکه اروپا از طریق دیپلماسی می‌تواند خط قرمزهای خود را به طرف مقابل اعلام نماید و یا از سیاست هویج و چماق استفاده کند.

محور دوم، بازدارندگی. بازدارندگی مربوط به زمانی است که احتمال استفاده از سلاح کشتار جمعی در قالب عملیات تروریستی زیاد است. در این راستا اقدام به بازدارندگی که شامل تروریست‌ها و حامیان آنها می‌شود، می‌تواند مانع عملیات تروریستی گردد. از دیدگاه اروپاییان، تروریست‌ها باید خود را در برابر جامعه جهانی احساس کنند و هر لحظه منتظر اقدامی چندجانبه‌گرا از سوی جامعه جهانی باشند.

محور سوم، مهار. این اقدام از یکسو متوجه برنامه‌های کشورهای برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و از سوی دیگر شامل اقداماتی برای مقابله با استفاده احتمالی از سلاح‌های کشتار جمعی از جانب تروریست‌ها به عنوان ابزار تهدید و چتر حمایتی برای سیاست‌های تهاجمی و توسعه‌طلبانه است. در این رابطه اقداماتی

مانند کار اطلاعاتی، نظارت بر صادرات، نظارت بیشتر بر مرزها، سیاست‌های تحریمی و در نهایت اقدام نظامی چندجانبه در دستور کار قرار می‌گیرد.

محور چهارم، فراهم آوردن سازوکار اجرایی رژیم‌های بین‌المللی. هدف اصلی اتحادیه اروپا ثبات، تقویت و حیات رژیم‌های بین‌المللی است. اتحادیه اروپا قصد دارد از طرق گوناگونی کشورها را به انجام تعهداتشان در زمینه رژیم‌های بین‌المللی تشویق نماید. در صورتی که سیاست‌های تشویقی تأثیر مثبتی نداشتند، طیفی از اقدامات تنبیهی شامل، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی^{۱۰} و حتی اقدام نظامی یا تهدید به آن در دستور کار قرار گیرد (خبیری، ۱۳۸۵، ص ۵). بیانیه پایانی اجلاس سران اتحادیه اروپا در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۵ به مقابله با تروریسم بر اساس راهبردهای فوق اشاره دارد. همچنین در این بیانیه با تأکید مجدد بر اهمیت پاسخ مناسب و جامع به تهدیدات تروریستی، بر پی‌گیری استراتژی اتحادیه اروپا برای مقابله با تروریسم تأکید شده است. این بیانیه با اشاره به سند شورای اروپا در مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۵ تحت عنوان «استراتژی اروپا برای مقابله با افراطی‌گری و تروریسم» خواستار اعمال

سیاست‌های اجرایی برای حفاظت از شهروندان، زیرساخت‌ها، مقابله با تروریست‌ها و بالا بردن توانایی‌های لازم برای پاسخ‌گویی به حملات احتمالی تروریستی شده است (www.euc.com).

۴. نقش و جایگاه تروریسم در روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران

موضوع تروریسم در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی به طور خاص هم‌زمان با پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی و رفع تهدید کمونیسم و به تبع آن افزایش اهمیت مبارزه با تروریسم، در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گرفت. در این مقطع که مصادف با آغاز تماس‌های دیپلماتیک ایران و اتحادیه اروپا در قالب گفتگوی انتقادی بود، جمهوری اسلامی ایران در اذهان کشورهای اروپایی به عنوان حامی تروریسم در نظام بین‌المللی تلقی می‌گردید. چندین عامل موجب این طرز تلقی شده بود.

عامل اول اینکه در پی گروگانگیری اعضای سفارت امریکا در تهران و به دنبال آن بمب‌گذاری سال ۱۹۸۳ در پایگاه دریایی تفنگداران امریکایی در جنوب لبنان و نسبت دادن آن به ایران توسط رسانه‌های غربی، دولت ریگان در ژانویه ۱۹۸۴ ایران را به

عنوان یکی از کشورهای حامی تروریسم معرفی کرد. این امر که برای نخستین بار صورت می‌گرفت، باعث شد تا دولتمردان اروپایی نیز در کنار ایالات متحده امریکا، ایران را به عنوان یکی از کشورهای حامی تروریسم و خشونت در عرصه بین‌المللی معرفی نمایند (Franssen, 2007, p.2).

عامل دوم، سیاست ایران در قبال بحران خاورمیانه (مناقشه اعراب و اسرائیل، موجودیت رژیم اسرائیل، حمایت از گروه‌های جهادی فلسطینی و حزب ... لبنان) بود. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون همواره با موجودیت اسرائیل در منطقه خاورمیانه مخالف بوده و از آرمان مردم فلسطین حمایت کرده است. جمهوری اسلامی ایران براساس سیاست‌های دین‌مدارانه به دفاع از گروه‌های فلسطینی که به زعم غربی‌ها در زمره گروه‌های تروریستی می‌باشند، اما از دیدگاه ایران جنبش‌های رهایی‌بخش هستند، پرداخته است. این در حالی است که کشورهای غربی بر اساس سیاست‌های دنیامدارانه و به دلیل نزدیکی بیشتر به رژیم اسرائیل، گروه‌های جهادی فلسطینی را گروه‌های خشونت‌طلب، بنیادگرا و تروریستی می‌دانند.

عامل سوم اینکه وقوع برخی حوادث مانند فتوای مهدورالدم بودن سلمان رشدی از سوی امام خمینی (ره)، قتل شاپور بختیار در سال ۱۹۹۱، وقوع حادثه میکونوس در آلمان، انفجار مقر یهودیان در بوینس آیرس آرژانتین و کشته شدن برخی مخالفان جمهوری اسلامی ایران در اروپا موجب شد این کشورها بدون در اختیار داشتن هیچ‌گونه مدرک و سندی، تهران را متهم به انجام اقدامات تروریستی و کشتار مخالفان کنند.

عوامل فوق باعث شد تا تروریسم به یکی از مهم‌ترین موضوعات گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا تبدیل شود. در این رابطه، دو طرف با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها در مورد تعریف تروریسم، شاخص‌های اقدام تروریستی و تفاوت آن با جنبش‌های آزادیبخش، از رفتار یکدیگر انتقاد می‌کنند.

به‌طور کلی اتهامات اتحادیه اروپایی علیه ایران در زمینه تروریسم، شامل دو محور می‌شود: اول، حمایت ایران از گروه‌های معارض در کشورهای گوناگون و دوم، ترور چهره‌های ایرانی مخالف که در کشورهای دیگر مقیم هستند.

اعضای اتحادیه اروپا تردیدی در حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های عراقی، لبنانی و فلسطینی ندارند، ولی در میان این

گروه‌ها به حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های مبارز فلسطینی بسیار حساس هستند. آنها در مورد حمایت ایران از حزب ا... لبنان نیز تا حدود زیادی نشان داده‌اند که آن را درک می‌کنند، زیرا حزب ا... یک گروه قانونی در لبنان است که در پارلمان و دولت این کشور به عنوان یک حزب سیاسی نمایندگانی دارد و علیه اشغال مناطق جنوبی لبنان توسط اسرائیل مبارزه می‌کند تا اسرائیل را به خروج کامل از این مناطق وادار کند. اما نگرانی عمده اتحادیه اروپایی به حمایت ایران از گروه‌های مبارز فلسطینی ناشی می‌شود که با رژیم صهیونیستی مبارزه می‌کنند (Holiday, 2000, p.18).

در خصوص اتهامات مطرحه علیه جمهوری اسلامی ایران در زمینه ترور چهره‌های مخالف مقیم خارج، در مورد حدود ۷۰ حادثه در مدت زمان سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۶، انگشت اتهام مطبوعات و مقامات امنیتی اتحادیه اروپا به سوی ایران بوده است. این سابقه موجب شده است که با کوچک‌ترین حادثه‌ای علیه افراد مخالف حکومت جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آنها ایران را متهم به اقدام تروریستی کنند یا تهران را در زمره اصلی‌ترین مظنونان اقدام تروریستی قرار

شمار می‌رود. نگارندگان این سند معتقدند که اتحادیه اروپا برای تروریست‌ها هم یک هدف است و هم یک پایگاه. آنها معتقدند القاعده کشورهای اروپایی را هدف بالقوه خود اعلام کرده است. همچنین کشف پایگاه‌های تدارکاتی القاعده در انگلستان، ایتالیا، آلمان و اسپانیا حاکی از آن است که اتحادیه اروپا در حال مبدل شدن به پایگاه تروریست‌ها می‌باشد. آنها معتقدند با در نظر گرفتن تمهیدات امنیتی شدید باید از این امر جلوگیری کرد (Solana, 2006, p.4). البته ایران با جمع‌بندی اتحادیه اروپا از مفهوم تروریسم و آثار و تبعات آن اختلاف چندانی ندارد، اما تفاوت آنها بر سر انگیزه‌ی اقدامات خشونت‌آمیز، زمینه‌هایی که بستر تروریسم را فراهم می‌کنند و تفاوت تروریسم با جنبش‌های آزادیبخش است.

از دید جمهوری اسلامی ایران، «تروریسم جوامع بشری را در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تهدید می‌کند. این پدیده‌ی خطرناک نه تنها بر یک کشور یا منطقه خاص تأثیر می‌گذارد، بلکه یک معضل ناامن‌کننده بین‌المللی است که صلح و ثبات کل جامعه بین‌المللی را تهدید می‌کند. اصلی‌ترین حقوق اساسی بشر را پایمال می‌کند و تمامیت ارضی دولت‌ها را به خطر

دهند. نکته مهم اینکه بیش از ۷۵ درصد از ترورهایی که در کشورهای اتحادیه اروپایی رخ داده، در کشورهای آلمان و فرانسه بوده است (موسویان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶). یکی از مهم‌ترین حوادثی که در یک مقطع کوتاه به قطع روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا منجر شد و به شدت بر روابط دو جانبه تأثیر گذاشت، حادثه میکونوس بود. از زمان حادثه میکونوس که در یک رستوران یونانی به همین نام در منطقه ویلمرسدورف برلین اتفاق افتاد و چهار مرد از جمله صادق شرف‌کنندی، دبیر کل تبعیدی حزب منحلہ دموکرات کردستان ایران کشته شدند، موضوع تروریسم به محور اصلی تمامی گفتگوهای ایران و اتحادیه اروپا تبدیل شد.

موضوع تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نسبت به گذشته جایگاه مهم‌تری در سیاست راهبردی و امنیتی اتحادیه اروپا یافت. در سند راهبرد امنیتی اتحادیه اروپا، تروریسم یکی از مهم‌ترین تهدیدات در صحنه جهانی اعلام شد. در این سند، تروریسم یک تهدید استراتژیک قلمداد شده که حیات انسان‌ها را در معرض خطر قرار داده، هزینه‌های گزافی را تحمیل نموده، بردباری و باز بودن جوامع را مورد تهدید قرار داده است و خطری استراتژیک برای اتحادیه اروپا به

می‌اندازد و... جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که از پدیده شوم و غیر انسانی تروریسم در سال‌های بعد از انقلاب رنج فراوانی برده، آماده مشارکت فعال در هر اقدام بین‌المللی در جهت مبارزه با تروریسم به شیوه‌ای جدی، جامع و اصولی است» (خرازی، ۱۳۸۰، ص ۳۲). این دیدگاه حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران خود را قربانی تروریسم می‌داند و معتقد است تروریسم تهدیدی علیه ثبات و امنیت همه جوامع است و همچنین بر این اعتقاد است که باید به شکلی جامع و اصولی با آن مبارزه کرد.

در مورد تروریسم، همان‌طور که اشاره شد، مهم‌ترین چالش اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران، به حمایت تهران از برخی گروه‌های فلسطینی مانند حماس و جهاد اسلامی و نیز ارتباط آن با حزب... لبنان مربوط می‌شود. اتحادیه اروپا همچون امریکا معتقد است هرگونه اقدام گروه‌های فلسطینی که به کشته و زخمی شدن غیر نظامیان اسرائیلی بینجامد، تروریسم تلقی می‌شود. این در حالی است که ایران ماهیت اقدامات مبارزان فلسطینی را تدافعی می‌داند و معتقد است این اقدامات در چارچوب اصل

دفاع از خود^{۱۱} و نیز به منظور آزادسازی سرزمین فلسطین از دست اشغالگران انجام می‌پذیرد. ایران هرگونه حمایت نظامی و تسلیحاتی از گروه‌های فوق را تکذیب و اعلام کرده است که حمایت تهران از این گروه‌ها صرفاً معنوی می‌باشد. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران حزب... لبنان را یک حزب قانونی در نظام سیاسی لبنان می‌داند که برای مبارزه با اشغالگران به سلاح نظامی مجهز شده است و در مقابل متجاوزان مقاومت می‌کند.

در کنار این عوامل، مهم‌ترین موضوع در بحث تروریسم، ادعای ارتباط ایران با برخی عناصر سازمان القاعده است که در مقطع کوتاهی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نیز اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ مطرح شد. این اتهام در حالی مطرح می‌شود که جمهوری اسلامی ایران همواره هرگونه ارتباط با اقدامات تروریستی شبکه القاعده را رد و بر تقابل و مخالفت اعتقادی خود با این سازمان تأکید کرده است. تضاد سیاسی و اعتقادی ایران با القاعده حتی پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آشکار شده بود؛ به نحوی که پس از واقعه کشتار دیپلمات‌های ایرانی در شهر مزارشریف افغانستان توسط سازمان

القاعده و گروه طالبان، حضور وسیع نیروهای نظامی و آرایش جنگی در مرزهای افغانستان، ایران را در آستانه جنگ با رژیم طالبان و حامیان آن در سازمان القاعده قرار داد. پس از این واقعه، وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران (کمال خرازی) در مصاحبه با روزنامه *لس/انجلس تایمز* اعلام داشت: «ایران با ایدئولوژی، تاکتیک و استراتژی القاعده مخالف بوده و هر کجا بتواند آنها را دستگیر می‌کند» (خرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸). بنابراین جمهوری اسلامی ایران با مردود دانستن اتهام‌های اتحادیه اروپا مبنی بر حمایت تهران از تروریسم معتقد است:

الف) جمهوری اسلامی ایران مبارزان فلسطینی را گروه‌هایی می‌داند که علیه اشغالگری می‌جنگند، لذا آنها را از جمله گروه‌های تروریستی نمی‌داند و در زمره جنبش‌های آزادیبخش محسوب می‌کند.

ب) جمهوری اسلامی ایران معتقد است حزب ... لبنان گروهی تروریستی نیست، بلکه حزبی سیاسی است که در عرصه‌های سیاسی لبنان از جمله در مجلس و دولت این کشور حضور فعالی دارد و شاخه نظامی این حزب نیز برای دفاع از سرزمین‌های لبنان در برابر حملات رژیم اسرائیل تشکیل شده و تداوم پیدا کرده است.

پ) جمهوری اسلامی ایران معتقد است سازمان‌هایی مانند القاعده، تروریستی هستند و اعضای آن باید در هر کجا که یافت شوند، دستگیر و مجازات گردند.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جک استراو، وزیر امور خارجه وقت انگلستان، در ۲۳ سپتامبر همان سال به تهران سفر کرد. هدف وی تشویق تهران به مبارزه بر ضد تروریسم به ویژه با رژیم طالبان و سازمان القاعده بود. در این زمان ایران ضمن محکوم کردن حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر، آمادگی خود را برای مبارزه با تروریسم اعلام کرد. در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱ هیئتی از سوی اتحادیه اروپا متشکل از وزیر امور خارجه فرانسه، خاویر سولانا (مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا) و کریس پاتن (عضو کمیسیون سیاست خارجی اتحادیه اروپا) به سرپرستی لویی میشل (وزیر امور خارجه بلژیک) به تهران سفر کردند و بهبود و گسترش روابط با ایران را مشروط به مشارکت تهران در طرح ائتلاف برای مبارزه با تروریسم دانستند (ولدانی، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

جمهوری اسلامی ایران ضمن پذیرش لزوم مبارزه با تروریسم، به استانداردهای دوگانه اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم انتقاد دارد. از دیدگاه مقامات تهران، اتحادیه

اروپایی نسبت به جنایت‌های صهیونیست‌ها و کشتار مردم بی‌دفاع و زنان و کودکان فلسطینی هیچ واکنشی از خود بروز نمی‌دهد، این در حالی است که مقاومت مشروع مبارزان فلسطینی علیه اشغالگران را تروریسم می‌داند. از دیدگاه سیاستمداران ایرانی، بسیاری از کشورهای اروپایی در دوران جنگ جهانی دوم در قالب گروه‌های آزادیبخش با متجاوزان و اشغالگران آلمان نازی به مبارزه می‌پرداختند و بنابراین اکثریت اعضای اتحادیه اروپا با فعالیت گروه‌های آزادیبخش آشنایی کافی دارند، در حالی که امروزه در یک تغییر جهت آشکار، گروه‌های مقاومت فلسطینی را گروه‌های تروریستی قلمداد می‌کنند. افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران معتقد است پناه دادن اعضای اتحادیه اروپا به برخی مخالفان ایرانی از جمله ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی و سایر عناصر سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین)، ارتش آزادیبخش ملی و شورای ملی مقاومت ایران در خاک برخی کشورهای اروپایی از مصادیق حمایت از گروه‌های تروریستی محسوب می‌شود.

در این راستا، علی‌رغم اینکه اتحادیه اروپا در دوم مه سال ۲۰۰۲ نام سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) و

زیرمجموعه‌های آن از جمله ارتش آزادیبخش ملی ایران را به عنوان گروه‌های تروریستی اعلام کرده و تاکنون نیز آن را تمدید کرده است، ولی از نظر جمهوری اسلامی ایران این عمل کافی نیست. در این خصوص سخنگوی وزارت امور خارجه در ۳ ژوئیه ۲۰۰۷ (۱۲ تیر ۱۳۸۶) اعلام کرد: «مصوبه اخیر شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپایی درباره ابقای نام گروهک تروریستی منافقین در فهرست گروه‌های تروریستی اقدامی صحیح، اما ناکافی است. وی با انتقاد از عدم درج نام گروه جعلی وابسته به منافقین تحت عنوان شورای مقاومت ملی ایران در این فهرست، نسبت به شکل‌گیری هسته‌های منافقین به عنوان «القاعده اروپایی» به این کشورها هشدار داد. وی ادامه داد که تهران از اتحادیه اروپا و اعضای آن انتظار دارد مطابق تعهدات و مسئولیت‌های بین‌المللی خود در مبارزه فراگیر و بدون تبعیض با تروریسم و سازمان‌های تروریستی اقدام کنند» (www.farsnews.com). در این رابطه منوچهر متکی، وزیر امور خارجه وقت ایران نیز در کنفرانس مطبوعاتی با دوگوخت، همتای بلژیکی خود در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۷ (۲۴ شهریور ۱۳۸۶) اظهار داشت که «مواضع ایران در زمینه تروریسم کاملاً روشن است. ما

امیدواریم که اتحادیه اروپا نسبت به پدیده‌ی تروریسم برخورد شفاف و واحدی داشته باشد و برخوردهای دوگانه در موضوع تروریسم را متوقف کند و از حمایت گروهک تروریستی منافقین که رئیس جمهور، نخست‌وزیر، ۲۷ نماینده مجلس، ۴ وزیر و بسیاری از مردم ایران را به شهادت رسانده است، دست بکشد. وی خاطرنشان نمود که بنا بر آمار تاکنون ۱۶ هزار نفر در ایران توسط اقدامات کور تروریستی به شهادت رسیده‌اند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با تروریسم همچون گذشته پیشتاز خواهد بود و امیدوار است که کشورهای غربی نیز از تناقضات در برخورد با این موضوع خارج شده و با این پدیده شوم یکپارچه برخورد کنند» (www.farsnews.com). در این رابطه غلامعلی حداد عادل، رئیس سابق مجلس شورای اسلامی که به عنوان رئیس مجمع مجالس آسیا و به دعوت رئیس مجمع پارلمانی اروپا جهت سخنرانی در این مجمع دعوت شده بود، در پی دیدار مسئولان شورای اروپا با رهبران سازمان تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) و در اعتراض به این عمل، در تاریخ ۳ اکتبر ۲۰۰۷ (۱۱ مهر ۱۳۸۶) سفر خود را به استراسبورگ فرانسه لغو نمود. این امر نیز حاکی از انتقاد ایران به برخوردهای

متناقض و دوگانه اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم می‌باشد (www.mehrnews.com). علاوه بر آن، جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه برخی اعضای اتحادیه اروپا از جمله انگلستان را مبنی بر اتهام مداخله ایران در امور عراق و حمایت از گروه‌های تندرو، به شدت تکذیب می‌کند. مقامات جمهوری اسلامی ایران معتقدند کشورهای مدعی هیچ مدرکی مبنی بر حمایت ایران از تندروهای اسلام‌گرا ندارند. همچنین بارها اعلام کرده‌اند که ایران بزرگ‌ترین قربانی تروریسم در جهان است و از هیچ اقدامی برای نابودی تروریست‌ها دریغ نخواهند کرد.

فرجام

۱. به نظر می‌رسد در چالش‌های راهبردی-امنیتی که میان تهران و بروکسل وجود دارد، بحث تروریسم از درجه تأثیرگذاری بالایی برخوردار است.

۲. هویت جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر اساس حمایت از ملل مستضعف و جنبش‌های آزادیبخش قرار دارد. بر همین اساس نیز جمهوری اسلامی ایران با طراحی سیاستی راهبردی و برنامه‌ریزی شده به گروه‌های فلسطینی و لبنانی کمک می‌کند. این در حالی است که اعضای اتحادیه اروپا نه تنها تعریف جمهوری

اسلامی ایران از جنبش‌های آزادیبخش را نمی‌پذیرند، بلکه حمایت ایران از گروه‌های فلسطینی را مصداق بارز حمایت از تروریسم تلقی می‌کنند.

۳. در بحث حمایت ایران از حزب ا... لبنان و یا برخی اتهام‌های مطروحه از جانب اتحادیه اروپا مانند ترور مخالفان، ارتباط و پناه دادن به اعضای القاعده، حمایت از تندروهای اسلام‌گرا نیز تأثیر اختلاف‌های راهبردی و امنیتی دو طرف از زمان انقلاب تاکنون را می‌توان مشاهده نمود.

۴. علی‌رغم اینکه اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بیش از گذشته، لزوم مبارزه با تروریسم را درک و به ایجاد و توسعه کنوانسیون‌های مختلف برای مبارزه با تروریسم اقدام نمود، اما در عرصه عمل با تناقض‌هایی مواجه است. اعضای اتحادیه اروپا در مقابل حملات تروریستی رژیم اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع فلسطین و نیز ترور رهبران فلسطینی و دانشمندان هسته‌ای ایران توسط جوخه‌های ترور موساد، علی‌رغم اعلام صریح مقامات امنیتی این رژیم مبنی بر انجام این ترورها، موضع‌گیری نمی‌کنند.

۵. همچنین برخی اعضای تأثیرگذار این اتحادیه از گروه‌های تروریستی مانند جنرال‌الشیطان (عبدالمالک ریگی) و پژاک و

سایر گروه‌های پیش‌گفته حمایت می‌کنند و این در حالی است که با اتهامات اثبات‌نشده، ایران را به حمایت از تروریسم متهم می‌کنند.

۶. در این رابطه نقش تبلیغات منفی ایالات متحده و برخی کشورهای دیگر به‌ویژه رژیم اسرائیل در فرافکنی برخی مشکلات داخلی و بین‌المللی خویش و نیز تأثیرگذاری بر اذهان ملت‌ها و دولت‌ها و متهم کردن همیشگی جمهوری اسلامی ایران به اقدامات خرابکارانه، علی‌رغم عدم وجود مدارک و شواهد مستند و متقن نیز به این واگرایی راهبردی دامن زده است.

منابع فارسی

۱. ترابی، سیدحیدر (بهار ۱۳۸۵)، «مقایسه دیدگاه اسلام و غرب در مبارزات آزادیبخش و تروریسم»، *فصلنامه مطالعات سیاسی روز*، سال چهارم، شماره نوزدهم.
۲. تقی‌زاده، بیژن (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، «تأثیر بی‌ثباتی خاورمیانه بر منافع اتحادیه اروپا»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال سیزدهم، شماره‌های ۲ و ۳.
۳. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۶)، «روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۱۹۷-۱۹۸.
۴. خبیری، کابک (دی ۱۳۸۵)، «استراتژی اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم»، *گزارش راهبردی*، معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل، مرکز

- the Terrorist Area", *International Security*, Vol.31, No.4.
12. Franssen, Herman (2007), *A Review of U.S. Unilateralism Sanctions against Iran*, [http://www.Irantrade.Org/ Update/ News/ Aspid=2448](http://www.Irantrade.Org/Update/News/Aspid=2448).
13. Holliday, Fred (September 2000), "Iran and the United Kingdom", Report Presented to the Foreign Affairs Committee, *House of Commons*.
14. Macgregor, Jean (2006), *EU and War against Terrorism*, [www. Rand.Org/ Comm/ Eu Documents/ 273845.htm](http://www.Rand.Org/Comm/EuDocuments/273845.htm).
15. Segaler, Stephan (2005), *Invisible Armies*, London: Sphere Books Ltd.
16. Solana, javier (2006), *A Secure Europe in a Better World: European Security Strategy*, [http://www.Europa.Eu.Int/ Comm/ External – Relations/ Terrorism/ gac.htm](http://www.Europa.Eu.Int/Comm/External-Relations/Terrorism/gac.htm).
17. [Http://www.farsnews.com/ 3/ july/ 2007.A](http://www.farsnews.com/3/july/2007.A)
18. [Http://www. Farsnews.com/ 15/ September/ 2007.B](http://www.Farsnews.com/15/September/2007.B)
19. [Http://www. Mehrnews.com/fa/10/ October / 2007](http://www.Mehrnews.com/fa/10/October/2007).
20. [Http:// www.Euc.com/ EU Documents/ December/ 2005](http://www.Euc.com/EUDocuments/December/2005)
- تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره ۸.
۵. سیمبر، رضا (بهار ۱۳۸۵)، «تطبيق تعريف تروریسم در دیدگاه پاره‌ای از بازیگران مؤثر بین‌المللی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۳۹.
۶. فرسای، شهرام (۱۳۸۲)، *تحولات نوین سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۷. موسویان، سیدحسین (۱۳۸۵)، *چالش‌های روابط ایران و غرب؛ بررسی روابط ایران و آلمان*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۸. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰)، *سیاست خارجی ما: مجموعه سخنرانی‌های سیدکمال خرازی وزیر امور خارجه*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

منابع لاتین

- 9."A Secure Europa in a Better World" (2003), *European Security Strategy*, Brussels 12 December, [http://www. ISS.Eu.Org](http://www.ISS.Eu.Org).
10. Cesaretti, Robert (2005), "Combating Terrorism in the Mediterranean", *NATO Review*, No.3, Autumn. [www.Nato..Int/ docu/ Review/ 2005/ Issue3/ English/ Art4.html](http://www.Nato.Int/docu/Review/2005/Issue3/English/Art4.html).
11. De Neuers, Renee (Spring 2007), "Nato's International Security Role in